



دوشنبه 28 بهمن 1392 - 17 ربیع الثانی 1434 - 17 فوریه 2014

شهید عجم ملکی، سال ۱۳۴۰ش در منطقه چملوان از توابع مهران چشم به جهان هستی گشود...

28 بهمن - 17 ربیع الثانی - 17 فوریه

* دفاع مقدس در گذر تاریخ
* شهادت شهید عجم ملکی (1362ش)
اشاره:

شهید عجم ملکی، سال ۱۳۴۰ش در منطقه چملوان از توابع مهران چشم به جهان هستی گشود. او تحصیلات ابتدایی خود را به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به شهر مهران آمد که در همان ایام در راهپیمایی‌ها و تظاهرات انقلابی شرکت کرد و در عرصه مبارزات مردمی، فعالانه حضور یافت. شهید ملکی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به همراه خانواده‌اش به ایلام مهاجرت کرد و بعد از ادامه تحصیل در ایلام، سال ۱۳۶۲ش به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد که پس از مراحل آموزشی به عنوان مسئول گروهان معرفی شد و پس از آن به عنوان معاون گروهان ۵۰۱ انتخاب شد و در شکل‌گیری این گردان زحمات زیادی را متحمل شد. در عملیات والفجر ۵، شهید بزرگوار و چند تن از رزمندگان جهت جایگزین کردن نیروها به منطقه عملیات اعزام شدند، آن‌ها به شکلی اتفاقی نیروهای عراقی را در حال فرار دیدند که به تعقیب آن‌ها پرداخته و پس از تصرف یکی از ارتفاعات مهم آن منطقه، شهید عجم ملکی بر اثر اصابت تیر مستقیم در سن بیست و دو سالگی در تاریخ بیست و هشتم بهمن‌ماه سال ۱۳۶۲ هجری شمسی، عاشقانه عروج کرد و عاشورائی گشت.

* شهادت شهید عظیم ثابت قدم (1364ش)
اشاره:

شهید عظیم ثابت‌قدم، هفدهم بهمن‌ماه ۱۳۳۲ش در شهر زنجان چشم به جهان هستی گشود. کودکی او در جمع خانواده‌ای متدین سپری گشت و در سن هفت سالگی همانند دیگر کودکان زادگاهش به مدرسه رفت تا توشه‌ای از علم روز بردارد و توانست تا پایان سال پنجم دبستان تحصیل کند. او بعد از اتمام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۵۴ش به استخدام شرکت مخابرات درآمد و به عنوان مسئول تلفن همگانی در اداره کل ناحیه پنج مشغول به کار گردید. عظیم در سال ۱۳۵۶ش همراه و همسفر خود را یافت و صاحب دو فرزند شد. او در جریان مبارزات انقلابی ملت غیور ایران، به خیل عظیم تظاهرکنندگان پیوست. به دنبال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در انجمن‌های اسلامی به فعالیت فرهنگی پرداخت. شش ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی، داوطلبانه به جبهه جنوب اعزام گردید و بعد از پنج ماه مبارزه، از ناحیه چشم مجروح شد. ده روز در بیمارستان اهواز بود و بیست روز در تهران در بیمارستان ۵۰۲ ارتش بستری گردید و سلامتی خود را بازیافت. اما از جبهه‌های پیکار حق علیه باطل غافل نگردید تا این‌که سرانجام در تاریخ بیست و هشتم بهمن‌ماه سال ۱۳۶۴ هجری شمسی در سن سی و دو سالگی طی عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو، شربت شیرین شهادت را نوشید و در بهشت برین مأوا گزید.

* 28 بهمن در گذر تاریخ

* رحلت فقیه، متکلم و واعظ بزرگوار، آیت‌الله «میرزا علی اکبر نوقانی» (1329ش)

اشاره: آیت‌الله میرزا علی اکبر فرزند موسی نوقانی در سال 1261ش (1300ق) در محله نوقان مشهد به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر استاد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری معروف به ادیب نیشابوری اول و فقه و اصول را نزد شیخ حسنعلی تهرانی و آیت‌الله سید عباس شاهرودی فرا گرفت. آیت‌الله نوقانی در 26 سالگی برای تکمیل تحصیلات خود رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف گردید و از محضر استادان بزرگی چون آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، سید محمدکاظم یزدی و شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود. وی پس از رحلت آخوند خراسانی، از عالم بزرگ میرزا عبدالله مازندرانی و آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی به دریافت اجازه اجتهاد نائل آمد و به مدارج بالای علمی دست یافت. آیت‌الله نوقانی در سال 1291ش به مشهد مقدس بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت‌الله حاج آقااحسین طباطبایی قمی، عهده‌دار تولیت مدرسه نواب، از مدارس مهم مشهد گردید. او دارای ذوق شعری نیز بود و در شعر، به «فقیه» تخلص می‌نمود. ایشان همچنین در خطوط نسخ و نستعلیق، تبحر داشت. کتبی از قبیل تعلیقاتی بر شرح نهج البلاغه و سه مقاله نوقانی و دو مقاله نوقانی در اصول عقاید و ردّ عقاید مادیون، از آثار ایشان است. آیت‌الله نوقانی سرانجام در 28 بهمن 1329ش (10 جمادی‌الاول 1370ق) در 68 سالگی درگذشت و در حرم رضوی(ع) به خاک سپرده شد.

* درگذشت استاد «محمد دیهیم تبریزی» ادیب و مورخ آذربایجانی (1378 ش)

اشاره:

استاد محمد دیهیم تبریزی، در سال 1286 ش (1325 ق) در تبریز به دنیا آمد. وی بر اثر راهنمایی‌های پدر، به تحصیل روی آورد و رشته‌های ادبی و ریاضی را به خوبی فرا گرفت. استاد دیهیم پس از آن ضمن فعالیت‌های فرهنگی به روزنامه‌نگاری اشتغال پیدا کرد و از سال 1311 ش، خدمات مطبوعاتی خود را آغاز نمود. وی علاوه بر مسؤولیت مطبوعاتی، در صحنه‌های مهم سیاسی روز نیز حضور داشت و در سال 1325 ش در بیرون راندن فرقه دموکرات از آذربایجان، کوشش زیادی مبذول نمود. دیهیم سرانجام تهران را برای فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود برگزید و در سال 1335 ش به آن سامان رهسپار شد. از اقدامات فرهنگی ماندگار دیهیم می‌توان به تاسیس انجمن‌های ادبی مولوی، صائب و آذربادگان اشاره کرد، ضمن اینکه در کار سازماندهی بیش از پانزده انجمن ادبی دیگر در تهران نیز نقش فعالی ایفا کرد. از وی آثار متعددی بر جای مانده که جبر، شرعیات، هندسه، دستور زبان فارسی، تعلیمات مدنی و حساب نو هر کدام در دو جلد و نیز تاریخ در 3 جلد و تذکره شعرای آذربایجان در 5 جلد از آن جمله است. استاد محمد دیهیم تبریزی سرانجام در اواخر بهمن 1378 ش برابر با اوایل ذی‌قعدة 1420 ق در 92 سالگی در تهران درگذشت و به سرای جاوید شتافت.

* آیت الله بهاء الدین محلاتی در شیراز با انتشار اعلامیه ای، روز 56/11/29 را عزای عمومی اعلام کرد. (1356 ش)

17 ربیع الثانی در گذر تاریخ

* تولد «عبدالقادر بدّوانی» متخلص به «قادری» مورخ معروف هندی (947 ق)

اشاره:

عبدالقادر بدّوانی در دربار اکبر شاه تیموری، منصب قضاوت داشت، اما اوضاع نامناسب دربار را تحمل نکرد و از کار دست کشید. قادری، بعدها مامور ترجمه‌ی کتاب‌های زبان سانسکریت و جمع‌آوری آن‌ها بود، اما کارش ناتمام ماند و مورخان دیگر، آن را به پایان رساندند. عبدالقادر از اندیشمندان پرکار زمان خویش به شمار می‌رفت و ترجمه‌ها و تالیفات زیادی از او بر جای مانده است. از مهم‌ترین آثار او کتاب مُتَحَبُّ التَّوَارِیخ معروف به تاریخ بدّوانی می‌باشد.

* «روزنامه ی صور اسرافیل» در صدر مشروطیت (1325 ق)

اشاره:

مجله‌ی هفتگی صور اسرافیل که به مدیریت میرزا جهانگیر خان شیرازی و با همکاری میرزا قاسم خان تبریزی و علی اکبر دهخدا منتشر می‌شد یکی از برجسته‌ترین نشریه‌های دوران مشروطه بود. در دوره‌ی انتشار روزنامه‌ی صور اسرافیل، این روزنامه به مشکلاتی دچار شد. از جمله آن که چندین بار نویسنده‌ی او را تکفیر کردند و بساط روزنامه را فروپچیدند. میرزا جهانگیرخان شیرازی، این روزنامه را در تکمیل معنی مشروطیت و حمایت از مجلس شورای ملی و یاری روستائیان، ضُعفا، فقرا و مظلومین، انتشار می‌داد. این روزنامه سرانجام پس از کشته شدن میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل به دستور محمدعلی شاه قاجار تعطیل شد. پس از آن در سال 1337 ق، مجدداً سه شماره به همت علامه دهخدا در سوئیس انتشار یافت و سپس برای همیشه تعطیل گردید. تا آن وقت، ادبیات و انشاء ایرانی عموماً و روزنامه‌ها خصوصاً، به طرز نگارش قدیم، حاوی الفاظ مُسَجَّع، بی‌حقیقت و بدون معنی و خالی از سود و اثر بود، اما روزنامه‌ی صور اسرافیل به زبان مردم همان زمان نوشته می‌شد و حتی از آوردن اصطلاحات و لغات عامیانه ابا نداشت. از این رو در سبک نثر فارسی معاصر تأثیر بسزا کرد. مهم‌ترین مقالات این روزنامه، مقالات علی اکبر دهخدا بود که تحت عنوان «چرند و پرند» منتشر می‌شد.

* درگذشت عالم بزرگوار «ملا قربانعلی زنجانی» معروف به حجت الاسلام

(1328 ق)

اشاره: ملاقربانعلی زنجانی معروف به «حجت‌الاسلام» از شاگردان شیخ انصاری بود که پس از تحصیل در نجف اشرف به زنجان بازگشت. او ضمن احراز مقام مرجعیت، با سخت‌کوشی تمام به اجرای احکام اسلام، از جمله اقامه‌ی حدود و اجرای تعزیرات می‌پرداخت. ملاقربانعلی از چنان نفوذ و موقعیتی در منطقه برخوردار بود که عدم همراهی وی با جریان مشروطه‌ی غیر مشروعه، باعث گردید تا نهضت در آن منطقه تأثیر چندانی نداشته باشد. او هیچ‌گاه به ملاقات حاکمی نرفت و هیچ حاکمی را نیز به حضور نمی‌پذیرفت.

* وفات محدث و رجالی ملامحمد نخجوانی (1334 ق)

اشاره:

ملامحمد علی نخجوانی، فقیه، اصولی، محدث، رجالی و عالم شیعی زمان خود بود. وی از شاگردان حاج میرزا حبیب‌الله رشتی، فاضل ایروانی و فاضل شرابیانی بود که بعد از وفات شرابیانی، مرجع تقلید قفقازیان و جمع فراوانی از دیگر بلاد شیعه گردید. آیت‌الله نخجوانی در 66 سالگی در کربلای معلی وفات یافت و در صحن مقدس امام علی(ع) دفن شد. حاشیه بر رسائل و حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، از آثار اوست.

* مدرس برجسته و عالم ربانی آیت الله سید مصطفی صفایی خوانساری (1413 ق)

اشاره:

آیت الله سید مصطفی صفایی خوانساری در سال 1321 ق (1281 ش) در خوانسار به دنیا آمد. پس از فراگیری دروس مقدماتی حوزه، در محضر اساتید بزرگی همچون: شیخ عبدالکریم حائری یزدی، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و میرزا محمدعلی شاه آبادی حاضر شد و در نجف در حلقه‌ی درس حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی و میرزای نایینی شرکت جست. آیت الله صفایی خوانساری اجازات متعدد اجتهاد و روایی را از حضرات آیات حائری، بروجردی و اصفهانی دریافت کرد. سرانجام این عالم ربانی در 92 سالگی در تاریخ 23 مهر 1371 ش چشم از جهان فرو بست و پیکر پاک ایشان در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

17 فوریه در گذر تاریخ

* تولد «واسکو دو گاما» دریانورد معروف پرتغالی و پیشاهنگ استعمار (1469م)

اشاره:

واسکودو گاما، دریانورد پرتغالی در 17 فوریه 1469م در این کشور به دنیا آمد. در آن زمان، جوانان زیادی به دریانوردی علاقه داشتند، از این رو واسکودوگاما نیز وارد این حرفه شد و در طی سال‌های بعد، به دریانوردی مجرب تبدیل گردید. در همان اوقات که کریستف کلمب، دریانورد و مکتشف ایتالیایی، راهی را به سوی هندوستان جستجو می‌نمود، واسکودوگاما دریانورد پرتغالی در پی یافتن مسیری از طرف دماغه امید نیک در جنوب افریقا بود تا از طریق خلیج عمان به هند برسد. از این رو به عنوان اولین اروپایی، سفر خود را به هند در سال 1497م آغاز کرد. وی که در این سال لیسبون، پایتخت پرتغال را با چهار کشتی ترک کرده بود، از طریق اقیانوس اطلس عازم جنوب شد و چون برخلاف پیشینیان خود از خط ساحلی حرکت نمی‌کرد، در وقت صرفه‌جویی زیادی نمود. واسکودوگاما پس از دور زدن دماغه امید نیک در جنوبی‌ترین نقطه قاره افریقا، به سوی سواحل شرقی افریقا بالا آمد و شهرهای ثروت‌مند تجار عرب را در موزامبیک مشاهده کرد. وی در ادامه، از سواحل کنیا عازم اقیانوس هند گردید و در آوریل 1499م پس از حدود بیست ماه سفر دریایی، در بندر تجارتی کلکنه در شبه قاره هند پهلو گرفت. هرچند راه اکتشافی واسکودوگاما بسیار طولانی بود، ولی به دنبال او، دریانوردان دیگر پرتغالی نیز همان راه او را پیش گرفتند و بنادر تجارتی و مستعمراتی پرتغال در افریقای شرقی و ساحل غربی هند را تشکیل دادند. هم‌چنین دستیابی اروپاییان و به ویژه پرتغالی‌ها بر این سرزمین سبب رونق تجارت و انباشت ثروت بادآورده در اروپا گردید. واسکودوگاما در سفر دوم خود، با بیست کشتی به حرکت درآمد و قصد داشت تا حاکمیت پرتغال را بر افریقا تثبیت کند که در این راه از اعمال زور و فشار نیز خودداری نکرد. با این حال به سبب خشونت و سوء مدیریت و نیز بدگویی از وی، به مدت بیست سال خانه‌نشین شد. واسکودوگاما در سال 1524م به عنوان نائب السلطنه هند راهی این سرزمین گردید. اما این مقام چندان پایدار نماند و با مرگ وی در 16 نوامبر 1524م در 55 سالگی، رؤیای او برای حکومت بر هند تعبیر نشد. هر چند واسکودو گاما در سفرهای دریایی خود، مناطق ناشناخته‌ای را کشف کرد و راه‌های دریایی را شناساند، اما این امر زمینه‌ساز حضور استعماری نیروهای پرتغال و دیگر کشورها در افریقا و آسیا گردید و باعث استثمار مناطق وسیعی از جهان در طول قرن‌های متمادی شد.

* سوزاندن «جیوردانو برونو» فیلسوف ایتالیایی در دادگاه تفتیش عقاید (1600م)

اشاره:

جیوردانو برونو اخترشناس، فیلسوف و شاعر دوره قرون وسطی، در 13 سپتامبر 1548م در شهر نولا در ایتالیا به دنیا آمد. وی از نوجوانی وارد مدرسه‌ای مذهبی گردید و به سرعت علوم مربوط به دوران ارسطو را فرا گرفت. ولی هوش سرشار او موجب شد از خرافات این مکتب برگردد و از فلاسفه قبل از سقراط پیروی کند. در نتیجه مجبور شد به رم فرار کند. برونو از آن پس به تبلیغ افکار خود پرداخت و مدت 16 سال در انگلستان، آلمان، سوئیس و شهرهای ایتالیا سرگردان بود. ولی ضمن تدریس در دانشگاه پاریس، اساس علم و دانش آن روز یعنی منطق ارسطو و نظام کائناتی بطلمیوس که زمین را مرکز عالم می‌دانست رد کرد. وی هم‌چنین حکمت طبیعی ارسطو را مردود اعلام نمود و آنها را مورد مخالفت سخت قرار داد. این امر مخالفت مقامات مذهبی را برانگیخت. از این رو چنان عرصه را بر برونو تنگ کردند که باعث شد وی از هر شهری به حالت خفت و فرار بیرون رود. در سال 1591 م، شخصی که عضویت دادگاه تفتیش عقاید مذهبی را برعهده داشت به برونو نامه نوشت و از او برای تدریس به خود دعوت کرد. برونو در اثر اشتیاقی که به دیدن وطنش داشت فریب خورد و به ونیز رفت، اما به محض ورود، او را دستگیر کرده و به زندان افکندند. وی پس از هفت سال زندان به رم فراخوانده شد و از او خواستند که آنچه گفته بود تکذیب کند. ولی برونو سرپیچی کرد و در نتیجه به جرم نگارش کتاب‌های کفرآمیز و همکاری با ملکه الیزابت که مخالف کلیسا بود، به مرگ محکوم شد. سرانجام جیوردانو برونو در روز 17 فوریه 1600م در 52 سالگی با نهایت شجاعت به حکم اعدام تن در داد و زنده زنده در آتش سوخت. برونو به دلیل مخالفت با آموزش‌های جزمی سده‌های گذشته و عقاید بی‌چون و چرای فلسفه ارسطویی و نیز تأثیر عمیق بر فیلسوفان پس از خود، به عنوان حلقه انتقالی از فلسفه کهن به فلسفه عقلانی دوران جدید مطرح شده است. وی مبدع و منعکس کننده موضوعات عقلانی است و واقعیت‌های اطراف خود را به تصویر می‌کشد. البته برونو در زمینه اخترشناسی نیز دیدگاه‌هایی داشت. او حدس‌هایی زده است که درستی بسیاری از آنها در پرتو کشف‌های دانشمندان بعد از او

ثابت شده است. از جمله وجود سیاره‌هایی در منظومه شمسی و مرکز نبودن زمین. وی تأکید می‌کرد که در فضای کیهانی، بی‌نهایت جسم، شبیه خورشید وجود دارد. او قانون بقای ماده را تنظیم کرد که بر اساس آن هیچ چیز از بین نمی‌رود و هستی خود را از دست نمی‌دهد، بلکه در شکل خارجی و مادی خود تغییر می‌کند. فلسفه برونو در بسیاری زمینه‌ها از قبیل یگانگی فضا - زمان و نیز نسبی بودن جرم جسم‌ها، با فیزیک امروزی، هماهنگ است. برونو مانند فلاسفه قدیم عقیده داشت که روح خدا در جسم جهان حلول می‌کند و در نتیجه، هر فردی، جزئی از خداوند و بنابراین، ابدی و غیرفانی است. در سال 1889م، 290 سال پس از مرگ برونو، در برابر اجتماع عظیم مردم رم و نمایندگان کشورهای مختلف، در میدان گل‌ها، همان جایی که وی را به آتش سپردند، از مجسمه او پرده‌برداری شد.

* درگذشت «ژان مولیر» نمایش‌نامه‌نویس مشهور فرانسوی (1673م)

اشاره:

ژان باتیست مولیر، نویسنده معروف فرانسوی در سال 1622م در شهر پاریس به دنیا آمد. وی نخست دروس مقدماتی را در مدرسه اشراف گذراند و سپس در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. اما چون به کار هنرپیشگی علاقه داشت به تئاتر روی آورد و یک گروه تئاتر تشکیل داد. وی در آغاز کار، با دشواری‌های فراوانی روبرو شد، ولی سرانجام حمایت لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه، او را از گوشه انزوا خارج ساخت و بر آن داشت که زندگی هنری خود را دنبال کند. مولیر شهر به شهر، تئاترهای خود را به نمایش می‌گذاشت تا این‌که به شهرت رسید. از آن زمان بود که شاه‌کارهای بزرگی خلق کرد و آنها را در میان استقبال شدید مردم به نمایش گذاشت. مولیر یک آفریننده خستگی‌ناپذیر بود که شاه‌کارهای او، نمایش‌نامه‌هایی است که وی در آنها تزویر و شرارت روح بشر را مورد انتقاد شدید قرار داده و بر انحرافات ذهن حمله می‌کند. وی نه تنها یک نویسنده، بلکه هنرپیشه‌ای بسیار ماهر و زبردست بود. او از بازیگران کمدی ایتالیا الهام می‌گرفت و آدم‌های مسخره‌ای خلق کرده بود که نمونه‌های عالی کمدی‌گران آغاز عصر سینمای کنونی را به یاد می‌آورد. مولیر در نمایش‌نامه‌هایش به ایجاد پیچ و خم‌های هیجان‌انگیز و اوصاف مضحکه‌آمیز و نیز هجو و انتقاد می‌پرداخت و از همه این نکته‌ها، برای برجسته ساختن و بهتر نمایاندن خصوصیات اخلاقی و معنوی بشر استفاده می‌نمود، از این روست که در آثار این کمدی‌نویس، فلسفه اخلاقی موج می‌زند. مولیر با هوش‌مندی فراوان و بشر دوستی عمیق، کمدی را وسیله‌ای برای به دست آوردن نتیجه‌های دلخواه و انسان دوستانه قرار داده است. از مولیر آثار مشهوری به جا مانده که مردم گریز، خسیس، زنان دانشمند، مریض خیالی و طیب اجباری از آن جمله‌اند و برخی از آثار او به فارسی نیز ترجمه شده‌اند. ژان باتیست مولیر سرانجام در حین نمایش مریض خیالی دچار تشنج شد و چند ساعت بعد در هفدهم فوریه 1673م در 51 سالگی درگذشت.

* تولد «رنه لاوئیک» پزشک فرانسوی و مخترع گوشی پزشکی (1781م)

* پایان جنگ خونین «ساراگوسا» میان فرانسه و اسپانیا (1809م)

اشاره:

پنبرد خونین ساراگوسا، در جریان جنگ‌های پنج ساله میان نیروهای فرانسوی و اسپانیایی از روز 15 نوامبر 1808م با حمله ارتش ناپلئون بناپارت آغاز شد و با مقاومت شدید نظامیان و مردم اسپانیا و جنگ خانه به خانه در ساراگوسا روبرو گردید. در این جنگ، دو طرف، شدت عمل و قساوت بسیار نشان دادند و به همین دلیل تعداد کشته‌ها زیاد بود. شدت قتل‌عام و کشتار در این جنگ به حدی بود که این نبرد به قصابی ساراگوسا شهرت یافت. جنگ ساراگوسا سرانجام پس از چهار ماه درگیری سنگین، در 17 فوریه 1809م با پیروزی فرانسویان و اشغال شهر ساراگوسا، اسپانیا واقع در شرق این کشور خاتمه یافت. اگرچه در جریان این جنگ و یورش فرانسویان، اسپانیا توسط فرانسه اشغال شد، اما در سال 1812م پس از آن که ناپلئون از روسیه عقب‌نشینی کرد و سپس از دولت‌های متحد اروپایی شکست خورد، اسپانیا نیز آزادی خود را بازیافت.

* آغاز زمام‌داری «فیدل کاسترو» در کوبا (1959م)

اشاره:

فیدل کاسترو زمام‌دار کوبا، در 13 اوت 1927م در شرق کوبا دیده به جهان گشود. وی پس از تحصیلات مقدماتی، وارد دانشگاه هاوانا شد و به تحصیل حقوق، علوم اجتماعی، سیاست و مدیریت عمومی پرداخت. کاسترو در سال 1953م در مبارزه علیه حکومت دیکتاتوری باتیستا دستگیر و زندانی شد. وی پس از آزادی از زندان در سال 1955م راهی امریکا و مکزیک شد و به آموزش ناراضیان فراری از چنگ باتیستا پرداخت. هرچند کاسترو در اولین حمله خود در نوامبر 1956م با شکست مواجه شد اما با تربیت چندین هزار نیروی چریک ورزنده، توانست در سال 1958م حمله وسیعی به کوبا را سازماندهی کند و حکومت باتیستا را سرنگون سازد. پس از فرار باتیستا در اول ژانویه 1959م، کاسترو در 17 فوریه 1959م در 32 سالگی به نخست‌وزیری کوبا دست یافت و کنترل اوضاع را بر عهده گرفت. دولت کاسترو برنامه اصلاحات ارضی وسیعی که شامل مصادره اموال و املاک امریکاییان در مزارع و کارخانه‌های شکر کوبا بود، به مرحله عمل درآورد. وی همچنین تا کنون حوادث متعددی نظیر واقعه خلیج خوک‌ها، بحران موشکی امریکا و شوروی بر سر کوبا، دخالت نظامی در قاره افریقا و... را پشت سر نهاده است. فیدل کاسترو با گذشت بیش از چهل و شش سال از حکومت خود (تا سال 2005م) نفوذ فراوانی در ارکان نظام و مردم کوبا دارد و